عدم اختلاف قراء در آیات قابل اختلاف، دلیلی بر سماع و تحفظ قراء

دیروز تمام چهل و پنج صفحه مقدمه تفسیر منهج الصادقین مرحوم شعرانی را خواندم. واقعا مقدمه‌ای است که دلالت دارد بر کارکردن ایشان. وقتی عالم بزرگی چیزی می‌نویسد -ممکن است کسی از دیگران رو نویسی کند- اما وقتی می‌دانیم آقای شعرانی مدرس بزرگی بودند و یک عمر زحمت کشیدند، خیلی اهمیت دارد. از چیزهای خوب این چهل و پنج صفحه این است: مثال‌های راه‌گشایی می‌زنند. بسیار مثال‌های جذاب می‌زنند. ایشان مطالب خوبی دارند. یکی از آن‌ها همین مثال‌ها بود.

الآن که شما گفتید مثال‌های آن طرفی که آقای شعرانی آورده‌اند را بیاد آوردم. دیروز یکی از آقایان گفتند دراین‌صورت می‌توانند قرآن را هر طور که خواستند بخوانند. من عرض کردم اصلاً این‌طور نیست. وقتی وارد می‌شوید شواهد این طرف را در مقاله‌ای بیاورید، عنوان درست کنید و یادداشت کنید. آقای شعرانی مثال‌های خوبی آورده‌اند. رضوان‌الله‌علیه. یعنی از قرآن مثال‌هایی بیاورید که اگر قرار بود تعدد قرائات به سماع نباشد و به اجتهاد باشد و هرکسی هرکسی باشد، ده‌ها مورد روشن در قرآن هست که جای تعدد قرائت بود. جای صد در صدی اما احدی از قراء اختلاف نکرده‌اند. اجماع است. خیلی جالب است. جای آن بود که اختلاف کنند.

در «ملک» و «مالک» یادتان هست؟ عرض کردم در همه قرآن «ملک» نوشته؛«قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ[1]»، «قل اعوذ برب الناس، مَلِكِ النّاسِ»؛ اجماع است و احدی «مالک» نخوانده است. حالا اینکه در یک روایت شاذ آمده باشد، کاری ندارم. فعلاً آن‌هایی را که اسمشان هست و می‌گویند تعدد قرائت دارد. شما این همه تفسیر را نگاه کنید. و حال اینکه هم «ملک یوم الدین» و هم «ملک الناس»، «ملک» نوشته شده. احدی نخوانده است. آقای شعرانی مثال‌ها را می‌آورند. خیلی زیبا است. این خودش یک رساله است. شما که می‌گویید به سماع نیست، این‌ها را نگاه کنید. یعنی با اینکه جای اختلاف بوده اما احدی اختلاف نکرده.

دیروز مثال «والدتک[2]» را خواندم. چند مورد دیگر نظیر آن هست.

شاگرد: مبحث قبلی را جمع‌بندی می‌فرمایید؟

استاد: بعضی نکات یادم می‌آید. نکته مرحوم شعرانی نکته خوبی است. یک بخش کار آقای شعرانی این است که با مثال‌ها نشان می‌دهند. یعنی اگر به اجتهاد بود و هر کسی به هر کسی بود، این موارد بهترین زمینه را داشت. و حال اینکه در آن‌ها اجماع قراء هست. پس معلوم می‌شود آن جایی که اختلاف کرده‌اند، از اجتهاد نبوده. یک قاری اینجا را به این صورت می‌خواند اما در جای دیگر مثل

بقیه میخواند.

شاگرد: داشتید میفرمودید تناسب «وسّع» با «تقرأ» چیست.

استاد: بله.

وقتی میگوییم «تقرأ» توسعه بدهد، میخواهیم این توسعه شامل موارد سهو و موارد نسیان شود. «سبعة احرف» را طوری به نواحی معنا کنیم؛ سبعة احرف، یعنی هفت جور. هفت جور بخوان. یک جورش اختلاف لهجات است. حالا یعنی حتماً هفت جوری که همه آنها لهجه باشد؟ نه، دقیقاً میخواهم حرف ابن جزری -که میگویی سی سال به آن فکر میکردم- را در اینجا و در حوزه قرائت مطرح کنم. سبعة احرف، یعنی هفت جور. یک جورش اختلاف لهجات است، یک جور آن اختلاف تحقیق و ترتیل است؛ اختلاف در ادا. یک جورش اختلاف در لحن است. لاحن است نه لهجات. به تعبیری شما اختلاف لهجات، لحن نیست. ولی یک جورش هم لحن است. یعنی «وسّع علی امتی فی اللاحنین».«سبعة احرف» یعنی در هفت حوزه و هفت جور قرائت هایی که -« تقرأ»- می خوانید، اجازه داده شده. یکی از آنها سهو است. شما اگر در یک جایی اشتباه خواندهای ولو سهوا خواندهای، لا یؤاخذ علیک. یکی از موارد «رفع عن امتی» همین مورد بود.

یک حوزه آن نسیان است. نسیان این است که الآن آیه یادتان نیست. بالای منبر هم هستید و یادتان نیست که «واو» است یا «فاء»، مجاز نیستید بخوانید. چون یادتان نیست. اما اگر «وسّع» را طوری معنا کنیم که مجاز باشید آیه را بخوانید ولو بهصورت مردد یا بهصورت القاء احد الاحتمالین یا بهصورتیکه اهلبیت با آن مخالفت کردند یعنی بتوانید نقل به معنا کنید. یعنی یک آیهای را بخوانید با نقل به معنا؛ یکی از مفسرین اهلسنت بود؛ تمام کلمات «الحمد لله رب العالمین» را نقل به معنا کرده بود. گفته بود قرآن به این صورت میشود. به نظرم ابوحنیفه را در کرده بود. علی ای حال این هست یا نیست؟

شاگرد: این توضیح را تا خصوص هفت میرسانید؟

استاد: فکرش را نکردهام. ولی مقصود من این است که وقتی سبعة احرف در فضای قرائت حضرت با امت هست، فضا فضای فقه میشود. میخواستم این را اول بگویم و آخر شد.

---

[1]آل عمران ۲۶

[2]المائده ۱۱۰؛ «إِذْ قالَ اللَّهُ يا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلى والِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ». کسی به این صورت خوانده «اذکر نعمتی علیک و علی والدیک». یکی از مصحفیین به این صورت خوانده. حالا شما غلط بگیرید. اینکه میگویید هر کسی هر چه خواند اصلاً اینطور نیست. کتابی دارد که بیست سال قبل از مرحوم صدوق وفات کرده. اصفهانی است. به نام التنبیه علی حدوث التصحیف. شاید پنجاه مورد آیاتی را میآورد و میگوید چون شبیه هم بوده تعدد قرائت دارد. من اینها را منکر نیستم. بعداً عرض میکنم. اینکه گفتم در تواتر از صفر شروع میکنیم بعداً اینها را میبینید. خیلی با وسواس جلو میرویم. بیان استاد در جلسه قبل.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:42:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 13:00:00 توسط ... .